

صد سال نوپسندگے درتہرہ

صد تک نگاری درباب صد نوپسندہ شہر تہران



- | | | | | | | | | | | | | | |
|----|------------------------|----|----------------------|----|--------------------|----|--------------------|----|---------------------|-----|-----------------|---|------------|
| ۱ | محمد علی فروغی | ۲ | علی اکبر دہخدا | ۳ | محمد علی جمال زادہ | ۴ | میرزا ذوقی | ۵ | محمد حجازی | ۶ | محمد مسعود | ۷ | صادق ہدایت |
| ۸ | مرتضی مشفق کاظمی | ۹ | مجتبی مینوی | ۱۰ | عبدالحمید نوشین | ۱۱ | حسینقلی مستعان | ۱۲ | بزرگ علوی | ۱۳ | بیرون اعتصامی | | |
| ۱۴ | محمد قاضی | ۱۵ | پرویز ناتل خانلری | ۱۶ | منوچہر ستودہ | ۱۷ | جعفر شہری | ۱۸ | فریدون آدمیت | ۱۹ | سیمین دانشور | | |
| ۲۰ | ہوشنگ کاووسی | ۲۱ | ابراہیم گلستان | ۲۲ | جلال آل احمد | ۲۳ | محمد علی موحد | ۲۴ | محمد جعفر محبوب | ۲۵ | ایرج افشار | | |
| ۲۶ | احمد شاملو | ۲۷ | شاہرخ مسکوب | ۲۸ | توران میرہادی | ۲۹ | ایرج پزشک زاد | ۳۰ | سیمین بیبانی | ۳۱ | ابوالحسن نجفی | | |
| ۳۲ | محمود طلوعی | ۳۳ | احمد محمود | ۳۴ | مظاہر مصفا | ۳۵ | تقی مدرسہ | ۳۶ | رجبعلی اعتمادی | ۳۷ | جمال میرصادقی | | |
| ۳۸ | محمود مشرف آزاد تہرانی | ۳۹ | اسماعیل فصیح | ۴۰ | فریدہ فرجام | ۴۱ | داریوش شایگان | ۴۲ | غلامحسین سعادی | | | | |
| ۴۳ | رضا براہنی | ۴۴ | پرویز دواہی | ۴۵ | نادر ابراہیمی | ۴۶ | ہوشنگ گلشیری | ۴۷ | داریوش آشوری | ۴۸ | بہرام بیضایی | | |
| ۴۹ | جمشید ارجمند | ۵۰ | محمد رضا شفیعی کدکنی | ۵۱ | رویین پاکباز | ۵۲ | محمود گلابدہرہ ای | ۵۳ | داریوش مہرجویی | ۵۴ | گلہ ترغی | | |
| ۵۵ | شیمیم بیار | ۵۶ | احمد رضا احمدی | ۵۷ | محمد علی سیانلو | ۵۸ | محمود دولت آبادی | ۵۹ | علی موسوی گرومارودی | | | | |
| ۶۰ | مسعود کیبایی | ۶۱ | روح انگیز شریفیان | ۶۲ | اسماعیل نوری علاء | ۶۳ | ہوشنگ مرادی کرمانی | ۶۴ | علی حاتمی | | | | |
| ۶۵ | بیژن الب | ۶۶ | بہاء الدین خرمشاہے | ۶۷ | شہر نوش پارسہ پور | ۶۸ | غزالہ علی زادہ | ۶۹ | عباس نعلبندیان | ۷۰ | سید مرتضی آوینی | | |
| ۷۱ | محمد محمد علی | ۷۲ | امیر حسین فردی | ۷۳ | رضا جولایی | ۷۴ | مصطفی رحمان دوست | ۷۵ | زویا پیرزاد | ۷۶ | جعفر مدرس صادقی | | |
| ۷۷ | شکوہ قاسم نیا | ۷۸ | امیر حسن چلتن | ۷۹ | فرخندہ آقایی | ۸۰ | مدیا کاشیگر | ۸۱ | عباس معروفی | ۸۲ | محمد جرم شیر | | |
| ۸۳ | سید مہدی شجاعی | ۸۴ | حسین سناپور | ۸۵ | شیوا ارسطویی | ۸۶ | احمد غلامی | ۸۷ | فرہاد حسن زادہ | ۸۸ | حبیب غنی پور | | |
| ۸۹ | حمید امجد | ۹۰ | سیامک گلشیری | ۹۱ | بیبان ہوشمند زادہ | ۹۲ | ناتاشا امیری | ۹۳ | محمد حسن شہسواری | ۹۴ | مہسا مجبعلی | | |
| ۹۵ | رضا امیرخانی | ۹۶ | زہرا عبدی | ۹۷ | مہدی افروز منش | ۹۸ | مہدی یزدانی خرم | ۹۹ | امیر حسین خورشید فر | ۱۰۰ | سینا دادخواہ | | |



السلامة

سرشناسه: حسینی، میلاد، ۱۳۷۱ -
عنوان و نام پدیدآور: صد سال نویسندگی در تهران: صد تک‌نگاری در باب صد نویسنده شهر تهران / پژوهش و تألیف: میلاد حسینی؛: ابرای شهرداری تهران.
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۴۵ ص.: عکس.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۷-۰۲۵-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
عنوان دیگر: صد تک‌نگاری در باب صد نویسنده شهر تهران.
موضوع: نویسندگان ایرانی -- قرن ۱۴
موضوع: هنرمندان -- ایران -- تهران -- قرن ۱۴
موضوع: نویسندگان ایرانی -- قرن ۱۴ -- سرگذشت‌نامه
موضوع: تهران -- زندگی فرهنگی -- قرن ۱۴
شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
شناسه افزوده: Elmi - Farhangi Publishing Co
شناسه افزوده: شهرداری تهران
رده‌بندی کنگره: PIR۳۴۰۵
رده‌بندی دیویی: ۸۱۵/۹۰۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۶۱۴۰۳

صد سال نویسندگی در تهران

صد تک‌نگاری در باب صد نویسنده شهر تهران

پژوهش و تألیف: میلاد حسینی

ناظر مجموعه: غلامحسین محمدی

دبیر مجموعه: حسین گنجی

طراح جلد: مجید کاشانی

طراح بسم‌الله: امیر مصباحی

چاپ نخست: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.



صد سال نوپسندگی

در
تهران | صد نوپسندۀ شهر تهران
صد تک‌نگاری در باب

پژوهش و تألیف
میلا د حسینی



۱۳۹۹

سوگند به این شهر

که تو در این شهر جای داری

و سوگند به پدر و فرزندی که پدید آورد

به راستی انسان را در رنج و محنت کشیدن آفریده‌ایم.

(بلد: ۴-۱)

۱۹۰	زویا پیرزاد	۱۳۶	روبین پاکباز
۱۹۲	جعفر مدرس صادقی	۱۳۸	محمود گلابدره‌ای
۱۹۴	شکوه قاسم‌نیا		
۱۹۶	امیرحسن چهلتن		
۱۹۸	فرخنده آقایی	۱۴۰	
۲۰۰	مدیا کاشیگر	۱۴۲	داریوش مهرجویی
۲۰۲	عباس معروفی	۱۴۴	گلی ترقی
		۱۴۶	شمیم بهار
	فصل نهم	۱۴۸	احمدرضا احمدی
۲۰۴	تئاتری‌ها و شهری‌ها	۱۵۰	محمدعلی سپانلو
۲۰۶	محمد چرم‌شیر	۱۵۲	محمود دولت‌آبادی
۲۰۸	سیدمهدی شجاعی	۱۵۴	علی موسوی گرمارودی
۲۱۰	حسین سناپور	۱۵۶	مسعود کیمیایی
۲۱۲	شیوا ارسطویی		
۲۱۴	احمد غلامی		فصل هفتم
۲۱۶	فرهاد حسن‌زاده	۱۵۸	آدم‌های متنوع
۲۱۸	حبیب غنی‌پور	۱۶۰	روح‌انگیز شریفیان
۲۲۰	حمید امجد	۱۶۲	اسماعیل نوری علاء
		۱۶۴	هوشنگ مرادی کرمانی
		۱۶۶	علی حاتمی
	فصل دهم	۱۶۸	بیژن الهی
۲۲۲	آرزوهای بزرگ	۱۷۰	بهاء‌الدین خرمشاهی
۲۲۴	سیامک گلشیری	۱۷۲	شهرنوش پارسی‌پور
۲۲۶	پیمان هوشمندزاده	۱۷۴	غزاله علی‌زاده
۲۲۸	ناتاشا امیری	۱۷۶	عباس نعلبندیان
۲۳۰	محمدحسن شهسواری	۱۷۸	سیدمرتضی آوینی
۲۳۲	مهسا محبعلی		
۲۳۴	رضا امیرخانی		فصل هشتم
۲۳۶	زهرا عبدی	۱۸۰	قصه‌نویس‌ها و دیگران
۲۳۸	مهدی افروزمنش	۱۸۲	محمد محمدعلی
۲۴۰	مهدی یزدانی خرم	۱۸۴	امیرحسین فردی
۲۴۲	امیرحسین خورشیدفر	۱۸۶	رضا جولایی
۲۴۴	سینا دادخواه	۱۸۸	مصطفی رحماندوست

بیش از دو قرن است که تهران پایتخت ایران است و از منظرهای مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نقطه همگرایی ملی و محل وقایع بزرگ تاریخی کشور است. شهر تهران به واسطه همین مرکزیت، سه دوره تاریخی متفاوت با مظاهر و مضامین مختلف را از سر گذرانده است. این شهر خاصه در صد سال گذشته بستر اصلی تحولات و وقایع تاریخی مهم سرزمینمان بوده است و به همین جهت است که بررسی جایگاه و واکاوی ابعاد کمترشناخته یا دیده‌شده این شهر و برجسته‌سازی آن ضرورت می‌یابد. باید توجه کرد که علاوه بر اهمیت پرداختن به ابعاد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی تهران ظرفیت‌ها و زمینه‌های ارزشمند هنری و فرهنگی شهر نباید زیر سایه ابعاد سیاسی شهر گم شود. داشته‌های این شهر ذیل تحولات پرسروصدای مناسبات پایتختی پنهان مانده است.

مرکزیت سیاسی- اقتصادی تهران باعث شده است این شهر به لحاظ فرهنگی و هنری بستر رشد انسان‌های برجسته‌ای گردد و مهاجرت فزاینده طی صد سال اخیر موجب شده است تهران مرکز تجمع اندیشه‌های مختلفی باشد؛ افرادی که شاید در تهران متولد نشده‌اند، اما این شهر پایگاه رشد و بالندگی آن‌ها بوده، و نقشی بسزا در شکل‌گیری روح فرهنگی حاکم بر شهر داشته‌اند. شهری که امروز ما می‌شناسیم نه فقط حاصل تحولات سیاسی و اجتماعی که چه‌بسا بیش از آن، حاصل نگاه و فعالیت کسانی است که به نوعی مجموعه کارهای آن‌ها را می‌توان در حوزه فرهنگ و هنر دسته‌بندی کرد، و خرده‌خرده یک کلیت بزرگ به نام تهران را شکل داده‌اند. شهرداری تهران به عنوان متولی مدیریت شهر تهران در انتهای سده چهاردهم هجری شمسی سعی دارد این زاویه را تقویت کرده و نگاه دیگری به شهر و سازندگان واقعی آن بیندازد و در جهت حفظ این میراث چندین‌ساله گام مؤثر بردارد؛ گامی که شاید نقطه شروع آن را بتوان ثبت و معرفی این سرمایه‌های نمادین و تأثیرگذار برشمرد؛ شخصیت‌ها و آثاری که بر بستر شهر یا متأثر از این شهر بالیده‌اند و تکوین یافته‌اند، امروز همچون میراث و سرمایه فرهنگی به فرزندان ما رسیده است و نماینده بخش مهمی از هویت و تاریخ شهر و کشور ما هستند. در این خصوص احداث خانه‌موزه‌های چهره‌های شاخص شهر تهران، اعم از شاعرانی نامدار همچون اخوان ثالث، نیما یوشیج و دیگران، و نیز حفظ خانه‌باغ‌های شهر و احداث پیاده‌راه‌ها و تأسیس خانه گفت‌وگوی تهران و حفظ پاتوق‌های گفت‌وگو در سطح شهر، و از همه مهم‌تر تأکید بر زیبایی و خالق آن که عموماً هنرمندان هستند، همه در جهت ایجاد فضایی است که فرهنگ و هنر شهر را اعتلا دهند و منظر و سیمای شهر را آن‌طور که شایسته شأن شهروندان امروز و فرداست تغییر دهند. کما اینکه در صد سال گذشته کسانی عهده‌دار چنین کاری بوده و داوطلبانه یا به دیگر انحاء خود را نسبت بدان مسئول می‌دانسته‌اند.

مجموعه پیش رو که به همت همکارانم در مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران گردآوری شده است نیز در جهت همین سیاست یکپارچه و برای معرفی سرمایه‌های نمادین شهر و شکل‌دهی تصویری واحد و منسجم از چهره‌های برجسته شهر تهران است تا بتواند بخشی از هویت درخشان منشوری و تصویری این شهر را بازتاب دهد.

در انتها امیدوارم مجموعه کتب سده - که در بخش اول شامل صد سال نقاشی در تهران، صد سال شاعری در تهران، صد سال نویسندگی در تهران، صد سال عکاسی مناظر شهری در تهران، صد سال کارتون و کاریکاتور در تهران و صد سال گرافیک در تهران است - مقدمه‌ای باشد برای توجه بیشتر به ارزش‌های فرهنگی، هنری و تاریخی این شهر.

ما به داشتن فرهنگی پربار و تاریخی برجسته و مردمانی صلح‌جو بر خود می‌بالیم و امیدواریم که انتشار چنین آثاری به غنی‌سازی فضای شهری و شکل‌گیری گفت‌وگوی بین شهری چه در داخل و چه در خارج کشور کمک کند.

▲ دعوت به تماشای شهر

روزی که خورشید محتضر بر جنوب البرز می تابید و شاه طهماسب صفوی برای ساخت حصار و برج و بارو در اطراف تهران دستور می داد، شاید کسی فکر نمی کرد روستای کوچکی که برای حفاظت از قزوین، پایتخت وقت، تقویت شده بدل به دشتی پهناور شود و چند سده بعد همه چیز حول آن شکل بگیرد. روزی که آغامحمدخان قاجار تهران را پایتخت اعلام کرد، سکنه شهر چیزی حدود بیست هزار نفر بودند و امکانات و وضعیت شهر بارها عقب تر از دیگر شهرهای کشور بود. دهه ها بعد اما تهران ناصری تهرانی دیگر شد و بدل شد به کانونی بزرگ که مبدأ و مقصد همه راهها محسوب می شد. ویرانه ها و بقایا کنار زده می شد و دیار ملال انگیز همچون نازپرورده ای در بستری پر از قو بزرگ می شد. سالها گذشت و تهران بیشتر از هر زمانی کاتبی برای ثبت حافظه اش می خواست تا آن را به یاد آوریم. در آغاز، تهران بارها عقب تر از اصفهان و شهرهای خراسان و شیراز بود و ادیب کم بود برای مکتوب کردن جهان آدم هایش... اما حالا وضعیت فرق کرده و در هر روایت و کتاب و داستانی ردپای تهران پررنگ و محکم است.

تهران در قرن سیزدهم چهره ای متفاوت با گذشته داشت. شهر هشت ضلعی ای شده بود با سیصد هزار نفر آدم جای داده در خود. دورش خندق حفر شده بود و ارتباطش با زمین های بیرون شهر فقط با سیزده دروازه اطراف میسر بود. حصار شاه طهماسبی چهار برابر گسترده تر شد و آخرین خندق تهران هم در عهد ناصرالدین شاه حفر شد. جغرافیای تهران ناصری شمالش به خیابان انقلاب فعلی می رسید و پس از آن هیچ نبود الا خاک و پراکنده های درخت. غرب شهر از پایین چهارراه جمهوری فعلی تا نزدیکی میدان گمرک به پایان می رسید و شرق شهر تا بعد از میدان شهدا (ژاله) با اضلاعی ناقص در جهات فرعی هندسه نامتناسب شهر را تکمیل می کرد. تهران محدود می شد به محله های عودلجان و سنگلج و بازار و چاله میدان و محله دولت... و دروازه هایی در دل شهر و اطراف شهر. تهران قرن گذشته تصویری زیر و رو شده دارد با تهرانی که ما می شناسیم. اما از بخت یاری ما جهان مکتوب شده تهران پس از مشروطه تا امروز است. گنجینه ادبیات امروز از تهران شهری ساخته که دیگر نیازی نیست با چراغ دنبال رد عمارت ها و آدم هایش بگردیم و حالا با شهری روبه رو هستیم که بیشتر از گذشته کوچک ترین جزئیات و دوام آداب نیک و زشت آدم هایش ثبت شده است.

مکتوبات تهران قدیم الواط و اراذل خندق نشین و درویش ها و قلندرها و کفن دزدها را احضار می کند. و امروز که در پایان قرن چهاردهم هستیم، وقتی به آثار منتشر شده در این قرن نگاه می کنیم، تصویری کامل می بینیم از بزرگ ترین شهر ایران که خاطره های حاصلخیز را بارور کرده و از قریه ای کوچک به کلان شهری جاندار و بزرگ شونده بدل شده است. تهران حکایات قدیم شده کلان شهری که در داستان ها مکان مناسبی برای گم شدن به شمار می رود. حالا فقط اینکه در تهران چه آدم هایی بودند و چه می کردند و چه نوشته اند مهم نیست. تهران شهری شده که خود مسیر زندگی ها را می سازد و از این رو وقتی ذکر آدم هایی که در تهران نوشته اند به میان می آید، مهم است تأکید کنیم زندگی آن ها در تهران چگونه طی شده است.

وقتی صحبت از نویسنده های تهران می شود، در دل خود فرصتی برای مرور تاریخ آدم های تهران فراهم می شود که از متولد دهه ۱۲۵۰ تا متولد دهه ۱۳۶۰ را در بر می گیرد. یک قرن و یک دهه... حقیقت این است که جهان با نیروی کلمه و قدرت مکتوبات به وجود

آمد، و اگر نوشته‌ها نباشد، تهران و اصفهان و نیشابور و بیهق و توس و و بخارا و آبادان هم چیزی جز خشت‌های الکن نیستند. نوشته‌ها هستند که از تاریخ و سرگذشت آدم‌ها درام می‌سازند. پس علاوه بر مرور تجربه نوشتن آدم‌های در تهران، از میانه قرن سیزدهم تا پایان قرن چهاردهم، در کنار تولیدات ادبی نویسنده‌ها، مسیر زندگی آن‌ها در تهران هم بسیار مهم است.

پرسه در شهر

ادب و هنر ایران با شهر تهران پیوندی دیرینه و ناگسستنی دارند. اگر از ادبیات داستانی شهر تهران روایت کنیم، عملاً تاریخ ادبیات داستانی ایران را مرور کرده‌ایم. اگر از مقالات روزنامه‌ها و نوشته‌های آکادمیک بگوییم، باز هم مقصود اصلی‌مان تهران است. در قرن چهاردهم، تهران مرکز همه چیز شده و دهه به دهه با سرعت بیشتری این مرکزیت رشد می‌یافت. و حالا در پایان این قرن تهران هم پایتخت سیاسی است و هم پایتخت اقتصادی و پایتخت فرهنگی. سال‌هاست همه جنبش‌ها و سبک‌های هنری شکل گرفته در ایران ردپای شهر تهران را با خود به همراه دارند. ادبیات داستانی ما هیچ شهری را به پرنگی تهران در خود ندیده. حتی وقتی در آثاری شهر را غایب می‌بینیم و به فضای محصور آپارتمانی پناه می‌بریم، باز آدم‌های شهر تهران‌اند که تکثیر شده‌اند. در سینما هم وضع چنین است و تصویر تهران بیشتر از هر جای دیگری بازنمایی شده. این اتفاقی است بسیار مهم. تهران و آدم‌هایش حضوری ثبت شده دارند در ادب و هنر ایران. همه چیز از تهران آغاز می‌شود و معمولاً هم در تهران خاتمه می‌یابد. در فهرست منابع بسیاری از آثار پژوهشی نام شهر تهران پرتکرارترین نام است، چرا که این شهر بیشترین ناشران و حرفه‌ای‌های این صنف را در خود جای داده و در سال‌های اخیر کمتر ناشر غیرتهرانی‌ای توانسته اتفاقی جدی در ادب و هنر را رقم بزند. وضعیت مطبوعات هم با کمی تفاوت چنین است. روزنامه‌ها و مجلات غیرتهرانی همواره مشغول فعالیت بوده‌اند، اما باز مرکز همه چیز تهران بوده و جز در مواردی اندک، همه بحث‌ها و حوادث در تحریریه‌های مستقر در تهران شکل می‌گرفته. از این رو، همیشه نگاه‌ها به سوی تهران بوده. نویسنده‌ها و روزنامه‌نگارهایی هم که متولد و بزرگ شده شهر دیگری بودند در مسیر حرفه‌ای‌شان به تهران رسیده‌اند و جادوی این شهر آن‌ها را بلعیده. جمع این رویدادها تهران را مهم‌ترین شهر فرهنگی ایران دست‌کم در یک و نیم قرن گذشته کرده است و حالا کانون زبان فارسی محسوب می‌شود.

از طرفی ادبیات داستانی فارسی گونه‌ای نسبتاً تازه در ادبیات محسوب می‌شود که از سال ۱۳۰۰ به بعد شکلی منسجم به خود گرفت. هر چند رگه‌هایی از آن به پیش از مشروطه و دوران مشروطه برمی‌گردد و فرم آن‌ها برآمده از آثار کهن فارسی و ترجمه‌هایی از ادبیات اروپا بود، همان زمان هم شهر تهران نویسنده‌ها و روزنامه‌نگارانی داشت که برخی از آن‌ها چهره‌هایی شاخص به حساب می‌آمدند و اساساً بستری فراهم کردند که باعث ساده‌سازی و فهم نثر فارسی از سوی مخاطب عامه بود. از سال‌های اولیه قرن چهاردهم رمان و داستان کوتاه توانست برای خودش مخاطب پیدا کند و از طرفی داستان‌نویسان ایرانی حضور جدی خود را اعلام کردند. پایگاه این گونه مهم ادبی شهر تهران بود. اگرچه برخی نویسندگان مهم آغازکننده این راه همچون محمدعلی جمال‌زاده در خارج از ایران زندگی می‌کردند و می‌نوشتند، بستر و خاستگاه کار آن‌ها خلقیات و عادات مردم شهری مثل تهران بود و حتی اصطلاحاتی که به کار می‌برد از دل زبان گفتار کوچه و بازار تهران بیرون آمده بود. و باز باید تأکید کرد تهران شهری منحصر به فرد است در تاریخ ادبیات داستانی ایران. هیچ شهری به اندازه تهران در رمان‌های فارسی حضور نداشته است. همه این‌ها باعث

شد تا تهران عملاً پایتخت ادبی ایران هم باشد و بسیاری از نویسندگان از شهرهای دیگر هم به تهران کوچ کنند و ادامه مسیر حرفه‌ای خودشان را در این شهر بگذرانند. از سویی خود شهر تهران هم زادگاه بسیاری از نویسندگان و چهره‌های شاخص ادبی بوده که در یکصد سال گذشته نقشی انکارناپذیر داشته‌اند در پیشبرد ادبیات معاصر ایران. خیلی از این نویسندگان آثارشان هم در تهران می‌گذشت و آدم‌های داستان‌هایشان در تهران پرسه می‌زدند. این اتفاق در دو دهه آخر قرن حاضر رشدی فزاینده به خود گرفته و نشان از اهمیت بستر مکانی برای نویسندگان شهر تهران دارد، نویسندگانی که حتی اگر تهران زادگاهشان نباشد، شهر زیست‌نشان است و فکرشان از فضای تهران و آنچه در این شهر اتفاق می‌افتد تغذیه می‌شود.

با وجود اینکه عمده نویسندگان ایران ساکن تهران بوده‌اند، پژوهش‌های موجود متمرکز است بر کلیات تاریخ داستان‌نویسی ایران و زندگی و زمانه همه نویسندگان ایران را در بر می‌گیرد، نه سیر تحول کسانی که در این شهر نوشته‌اند. نمونه‌های خارجی اینچنینی موجود است و بسیاری از شهرها پروفایل‌هایی کامل درباره مشاهیر ادبی‌شان گردآوری کرده‌اند.

تاریخ تهران تعداد زیادی نویسنده و چهره ادبی به خود دیده. مدخل‌های کتاب حاضر که مشتمل بر فشرده‌ای از زندگی و رشد و ویژگی آثار کسانی است که در تهران زیسته‌اند و نوشته‌اند شاید فرهنگی فشرده باشد از نویسندگان مهمی که یا متولد تهران‌اند یا بخش عمده زیست حرفه‌ای‌شان را در تهران گذرانده‌اند. از طرفی، رگه‌هایی از تاریخ فرهنگی تهران را با خود دارد که ظرفیت ادبی این شهر را نشان می‌دهد. نکته مهم در چنین فهرستی در نظر گرفتن جامعیت شهر تهران است، شهری دعوت‌پذیر که چهره‌ها و مشاهیر زیادی را به سوی خود کشانده و پایتختی فرهنگی را شکل داده. پس طبیعی است در چنین فهرستی نام آدم‌هایی دیده شود که متولد تهران نبوده‌اند، اما سال‌های زیادی از عمر حرفه‌ای خود را در این شهر گذرانده‌اند و از شهر تهران تأثیر پذیرفته‌اند یا در تربیت نسل بعدی نویسندگان این شهر اثرگذار بوده‌اند. این را هم باید در نظر گرفت که منظور از نویسندگان و چهره‌های ادبی بسته به دوره‌های زمانی متغیر است و در دوره‌هایی ممکن است روزنامه‌نگاران مشهور را شامل شود و در دوره دیگری امکان دارد چهره‌هایی را که سابقه آکادمیک دارند و یا به شاعری یا مترجمی شهره‌اند هم شامل شود. در هر دوره تلاش شده نگاهی جامع وجود داشته باشد با توجه به کیفیت متون نوشته‌شده و آثار به‌جای‌مانده از نویسندگان و چهره‌های فرهنگی‌ای که ربطی به شهر تهران داشته‌اند.

▲ حقایق زندگی روزمره

نگاه دیگر به این مجموعه تحول زندگی نویسندگان است، اینکه چگونه اتفاقات سیاسی سال ۱۳۲۰ و سال ۱۳۳۲ نسلی از نویسندگان را در تهران سرخورده می‌کند و چگونه همان اتفاقات نسل‌های بعدی را دچار روایت می‌کند. تهران پیوندی عمیق میان تاریخ و حوادث دارد و بازتاب سیاسی و اجتماعی هر دوره‌ای را در آثار مکتوب می‌توانیم پیدا کنیم. در آغاز ادیبان و شاعران گاه مناصب رده‌بالای حاکمیتی داشتند و نسل‌های بعدی به دیگر کارهای ادبی از جمله تصحیح و روزنامه‌نویسی مشغول شدند، تا در نهایت، ظهور داستان‌نویسی و جدی شدن این جنس از نوشتن همه چیز را دگرگون کرد. انتخاب میان همه آدم‌هایی که در تهران و از تهران نوشته‌اند عملاً کاری پیچیده است که در نتیجه آن چاره‌ای نمی‌ماند جز حذف عده‌ای و انتخاب نام‌های ارجح. در

این میان مجبور شدم چهره‌های مهم و محبوبی را کنار بزنم و از دیگر نام‌ها بنویسم تا فهرست، جامعیتی بیشتر داشته

باشد. دوباره تأکید می‌کنم که منظور از نویسنده صرفاً داستان‌نویس نیست و همگام با نگاه ادبی، زیست مرد یا زن نویسنده در شهر تهران برایم بسیار مهم بوده و از همین رو این فهرست هم روزنامه‌نگار و مترجم و مصحح را شامل می‌شود و هم داستان‌نویسان و نمایش‌نامه‌نویس و شاعران را. و در هر نوع نوشتن تلاش شده تا نگاه‌ها و گروه‌های مختلف کنار هم جمع شوند، از نویسندگان نخبه‌گرا گرفته تا نویسندگان جبهه انقلاب و پاورقی‌نویسان و قصه‌نویس‌هایی که فراموش شده‌اند و دیگر خواننده نمی‌شوند. اما نقش تاریخی‌شان در روایت کردن از تهران اهمیت دارد.

این گزارش‌ها صد تک‌نگاری از صد نویسنده تهران است و همین عدد صد محدودیت‌ها و دشواری‌هایی بر کار افزود و طبیعتاً نام چهره‌هایی در این فهرست غایب است. این کتاب دایرة‌المعارف نویسندگان نیست، که اگر بود هم فرم مدخل‌ها باید طور دیگری می‌بود و هم عددش بسیار بالاتر از صد می‌رفت. صرفاً گزارشی از احوالات و آثار و زمانه آدم‌هایی است که باعث تثبیت مرکزیت ادبی و زبانی شهر تهران شده‌اند و ترتیبش بر اساس سال تولد و زمانه زیستن است و می‌توان سیری تاریخی را در آن دنبال کرد. شاید اگر عمر و وقتی بماند و از سایه مرگ که همیشه پشتمان است گریزی داشته باشم، روزی تک‌نگاری‌هایی در باب نویسندگان محبوبم را با نگاهی شخصی‌تر و بدون محدودیت عددی بنویسم و روایت‌های نیامده را جبران کنم.

تکه اول این کتاب با محمدعلی فروغی آغاز می‌شود و با بزرگ علوی تمام؛ قدم زدن در تاریخ آدم‌هایی که انقلاب مشروطه را تجربه کردند و بعد سرخورده شدند. چند نویسنده اول این فصل چنین آدم‌هایی بودند و نویسندگان بعدی کسانی بودند که اوایل دهه ۱۲۸۰ به دنیا آمدند و به وقت مشروطه خردسال بودند. اما باز هم چیزی برای ناامیدی‌شان وجود داشت. فضای بسته دوران رضاشاه و اتفاقات شهریور سال ۱۳۲۰ تقریباً روی بسیاری از نویسندگان اثرگذار بود و بسیاری به فضای نسبتاً گشوده دهه بیست امید داشتند و آثاری مهم در همین دهه منتشر شد. اما مانند همه برهه‌های تاریخی در ایران، این امید هم عمر چندانی نداشت و پیش از پایان دهه بیست دود شد و به هوا رفت. در این فصل نویسندگانی متنوع را می‌بینیم با تجربه‌هایی تقریباً مشترک، نویسندگان و ادیبانی که به اروپا رفت و آمدی داشتند و زبان خارجی می‌دانستند و دلبسته ادبیات و زبان فارسی بودند و به واسطه مهارت‌هایشان دستی در امور دولتی هم داشتند و حتی مناصب مهمی چون وزارت و نمایندگی مجلس و نخست‌وزیری را تجربه کردند. هر چه جلوتر می‌رویم، ادیبان برجسته حاضر در قدرت کنار می‌روند و نویسندگان معترض حضوری پررنگ‌تر می‌یابند.

در آغاز شخصیت‌هایی را می‌بینیم که سویه‌های متنوع دارند و هم اهل شعرند و هم متن کهن تصحیح کرده‌اند و هم کتاب‌های مهم اقتصادی ترجمه کرده‌اند و هم مقالات تند و آتشین در کارنامه دارند و هم دستی در داستان‌نویسی دارند. اما با جلو رفتن زمان، دامنه فعالیت‌ها محدود و متمرکز بر حوزه‌ای تخصصی‌تر می‌شود. وجه اعتراض به وضع موجود و علاقه به روزنامه‌نویسی حفظ می‌شود، اما قالب‌های مدرن ادبی با اصولی حرفه‌ای میان نویسندگان جا می‌افتد.

صادق هدایت در داستان‌نویسی و عبدالحسین نوشین در نمایش‌نامه‌نویسی هر دو برای تحصیلات رشته‌های فنی و پایه به اروپا رفته بودند، اما محو جهان ادبی تازه شدند و کاری نو در زبان فارسی را آغاز کردند و هم پیشگام بودند و هم موفق. جدا از عقاید سیاسی و میل به اندیشه چپ و آرمان کمونیسم که پخش شده در هوای اکثر نویسندگان این دوره، میل به کار حرفه‌ای هم در کارنامه شخصیت‌های این دوره دیده می‌شود. نکته قابل توجه در این بخش خاستگاه خانوادگی نویسندگان است که غالباً از خاندانی شناخته‌شده و

برجسته رشد کرده بودند و امکان رشد و سفر تحصیلی به اروپا را داشتند و شیوه تربیتی‌شان به نوعی بود که در فضای بسته هم توانستند اثرگذار باشند و بنویسند. حالا یکی میل به پاورقی‌نویسی داشت و در کار خود شهره شد و دیگری متمایل بود به بخش نخبه‌گرای ادبیات. تکه دوم با پروین اعتصامی آغاز می‌شود و به جلال آل‌احمد می‌رسد؛ قدم زدن در تاریخ آدم‌هایی که قرن چهاردهم زمانه زندگی‌شان بود و مثل دیگر مردم زمان سختی‌ها و دشواری‌های زیستن را درک کردند. شهر تهرانی که نویسندگان این دوره تجربه کردند با نویسندگان قبلی به کل متفاوت بود، اما کماکان خاستگاه خانوادگی بسیاری‌شان در کار حرفه‌ای‌شان تأثیرگذار بوده.

در این دوره چهره تهران در حال تغییر بود و با روی کار آمدن حکومت پهلوی مرزهای شهر تغییر می‌کرد و خندق‌های اطراف شهر خیابان‌هایی تازه می‌شد و برخی بناهای قدیمی قاجاری تخریب می‌شد و ساختمان‌های با معماری‌ای که نیم‌نگاهی به سبک بین‌الملل داشتند ظهور می‌کردند. دیگر تهران شهر گذشته نبود. گذشته را در دل حبس کرده بود و شاخ و برگ‌هایش گسترش می‌یافت. جعفر شهری که در این فصل به او می‌پردازیم به خوبی درباره تهران قدیم کار کرد و نوشت و وقتی نوشته‌های او را می‌خوانیم، متوجه تغییرات اساسی شهر می‌شویم. تهران پایگاه روشنفکری می‌شود و نویسنده‌هایی مثل سیمین دانشور و ابراهیم گلستان که متولد شیراز بوده‌اند تهران را برای زندگی انتخاب می‌کنند و مرزهای شهر گسترده می‌شود و آن‌ها اولین ساکنان بخش‌هایی از شمال فعلی شهر تهران می‌شوند. گلستان زمانی برای زندگی به منطقه دروس رفت که اطرافش هیچ خانه و خیابانی نبود.

نویسنده‌های این فصل در مقایسه با فصل گذشته کمی یکدست‌ترند. منصب‌های سیاسی و حکومتی تقریباً از زندگی نویسندگان تهران حذف شده و آن‌ها به کار ادبی و روشنفکری مشغول‌اند و در نهایت عضویت در حزبی سیاسی را تجربه کرده‌اند و چندی بعد پشیمان شده‌اند و از کار حزبی رو برگردانده‌اند. تنها در یک مورد مانند پرویز ناتل خانلری تجربه وزارت را می‌بینیم که او هم اهمیت عمده‌اش در کار ادبی‌اش بوده و از سوی دیگر به خاطر مناصب حکومتی‌اش مغضوب بسیاری از چهره‌های روشنفکری بوده است.

نکته مهم در این فصل تمرکز بر فعالیت‌هاست. چهره‌های همه‌فن‌حریف و چندوجهی کمتر دیده می‌شوند و یکی را به شعرش می‌شناسیم و دیگری را به داستان‌هایش و آن دیگری را به ترجمه یا تصحیح متون کهنش. در این فصل زنان هم به فهرست نویسندگان شهر تهران اضافه شده‌اند و حالا با زنانی روبه‌رو هستیم که نوشته‌هایی باکیفیت منتشر می‌کنند و حضورشان را تثبیت می‌کنند.

تکه سوم با محمدعلی موحد آغاز می‌شود و با محمود طلوعی تمام می‌شود. حضور پیرنگ روزنامه‌نگاران و مترجمان و مصححان باعث می‌شود قدم بزیم در تاریخ شخصی افرادی که زندگی‌هایشان بی‌شابهت به هم نیست. اگر در فصول قبلی، انقلاب مشروطه و وقایع شهریور سال ۱۳۲۰ اثرگذار بود، حالا در این فصل قرار است کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ چهره زندگی‌های نویسنده‌های حاضر در شهر تهران را دگرگون کند. زنی مثل توران میرهادی شوهرش کشته می‌شود و غم بزرگش را تبدیل به کارهایی بزرگ می‌کند و محمدعلی موحد روایت‌هایی اساسی از ماجراهای نفت و ایران می‌سازد و شاملو و مسکوب زندان را تجربه می‌کنند.

دیگر تهران شهری تثبیت‌شده است در فضای ادبی، و عجیب نیست رویدادهای سیاسی‌ای که مرکزشان تهران است نویسنده‌ها و آثارشان را تحت تأثیر قرار دهد. آن‌ها غمگین و سرخورده می‌شوند و بازتاب این امر در آثارشان مشخص است.

تکه چهارم تأکیدی است بر جدی شدن داستان‌نویسی در ایران. حالا دیگر رمان و داستان کوتاه جای پای محکمی دارد میان

اهالی ادبیات، و قصه‌نویسی کاری تفننی نیست که ادیبی در کنار فعالیت سیاسی امتحانش کند. این تکه دعوت به قدم زدن

میان زیست و آثار نویسندگانی است که دوران مهم ادبی شهر تهران در دههٔ چهل را رقم زدند. تهران در این فصل شهری شده بسیار مهم در ادب و هنر. نویسنده‌هایی را می‌بینیم که متولد تهران نیستند، اما یا از کودکی با خانواده به این شهر هجرت کرده‌اند یا از دانشگاه و سربازی که به تهران آمده‌اند دیگر به شهر خود بازنگشته‌اند و حوالی نیم قرن اینجا مانده‌اند.

تهران در آثار داستانی دیگر نویسندگان این فصل هم راه یافته است و حالا خیابان‌های تازه شهر تهران هم در رمان‌ها دیده می‌شود. در کنار خیابان‌ها، مردم شهر را می‌بینیم که بسیاری‌شان نیم‌نگاهی به زندگی مدرن شهری دارند، یا مثلاً نویسنده‌ای مثل تقی مدرسی را می‌بینیم که با وجود زندگی در امریکا باز هم در داستان‌هایش از تهران گذشته و آدم‌هایش روایت می‌کند.

در این فصل نویسنده‌های تهران عمده‌تاً رمان‌نویس‌اند. فقط یک شاعر و یک فیلسوف در این تکه دیده می‌شود و باقی یا رمان‌نویس نخبه‌گرا هستند یا پاورقی‌نویس باب میل عامه یا قصه‌نویس کودکان. با رمان‌نویس بزرگی مثل احمد محمود که بیش از چهل سال در تهران زندگی کرد آغاز می‌شود و با نویسنده‌ای مثل غلامحسین ساعدی که در تهران می‌نوشت و رایگان طبابت می‌کرد به پایان می‌رسد. در این فصل با دو نویسندهٔ حرفه‌ای روبه‌رو هستیم که پزشکی خوانده‌اند: مدرسی و ساعدی.

اتفاقی سیاسی مثل کودتای ۱۳۳۲ در این فصل اثرش را در تولیدات ادبی گذاشته و نویسنده‌ها فضای تنگ دههٔ سی را درک کرده‌اند و ناامیدی‌ها به شکل آثاری ادبی در دههٔ چهل و پس از آن تبدیل شده است. در این فصل و فصل بعدی غول‌های ادبی تاریخ داستان‌نویسی فارسی را شاهدیم و به رضا براهنی و گلشیری می‌رسیم و نامی مثل بهرام بیضایی.

در تکهٔ پنجم نقد سینمایی هم جدی‌تر می‌شود و با رونق مجلات ادبی و هنری، این جنس از نوشتن میان علاقه‌مندان سینما جا می‌افتد و پرویز دویبی و جمشید ارجمند در چنین فضایی رشد می‌کنند.

در تکه‌های ششم و هفتم نام‌های آشناتری حضور دارند. فصل شش با سینمایی‌ها شروع می‌شود و با سینمایی‌ها تمام می‌شود. میان نام داریوش مهرجویی تا مسعود کیمیایی که چهره‌های سینمایی هستند و در اینجا به کارنامهٔ ادبی و زندگی‌شان در تهران پرداخته‌ایم، نام‌های دیگری از بدنهٔ ادبیات حاضرند، از محمود دولت‌آبادی و موسوی گرمارودی تا نام غایبی چون شمیم بهار به عنوان یکی از مرموزترین نام‌های داستان و نقد فارسی و شاعرانی مثل احمدرضا احمدی و محمدعلی سپانلو که به «شاعر تهران» شهره است. حالا دیگر اسامی خیابان‌ها و مکان‌های شهر تهران، علاوه بر داستان‌ها، وارد شعر فارسی هم شده است.

این میان همچنان اتفاقات سیاسی، زندگی ساکن شهر تهران را دگرگون می‌کند. عمدهٔ نویسنده‌ها تجربهٔ زندان در دهه‌های چهل و پنجاه را داشته‌اند و برخی‌شان در دههٔ شصت هم تجربه‌شان را تکرار کرده‌اند. دیگر نویسنده‌های شهر تهران برآمده از خانواده‌های متمول نیستند و بسیاری‌شان از خانواده‌هایی معمولی رشد کرده‌اند و قبولی در دانشگاه اتفاقی مهم و اساسی در زندگی‌شان بوده که مسیر آن‌ها را روشن کرده. محافل ادبی شهر تهران و گروه‌هایی مثل طرفه جمع‌هایی بودند که نشان از ظرفیت شهر تهران برای رشد ادبی دارند.

در بین نام‌های متولدین دههٔ سی به بعد، داستان‌نویسان حضوری جدی‌تر دارند. از فضای روزنامه‌نویسی و ادبیات کهن در اوایل قرن فاصله گرفته‌ایم و به ادبیات روز دنیا نزدیک‌تر شده‌ایم. میان این نویسنده‌ها چهره‌هایی مثل جعفر مدرس صادقی را داریم که رمان‌نویسی حرفه‌ای و پرمخاطب است و از دههٔ شصت چهره‌ای مطرح بوده و در کنارش نامی مثل رضا جولایی را داریم که با وجود دهه‌ها نوشتن و انتشار یکی از مهم‌ترین رمان‌های ادبیات ایران در دههٔ هفتاد عملاً در دههٔ نود مخاطبان گسترده‌تری یافت.

زویا پیرزاد هم به عنوان یکی از پدیده‌های ادبیات ایران در دهه هشتاد در تکه هشتم حاضر است و می‌توان رگه‌هایی از تشابهات را دید میان نویسنده‌هایی که در دهه پنجاه به نوشتن پرداختند.

میان نویسنده‌های دو فصل پایانی شباهت‌هایی با هم و تفاوت‌هایی با پیشینیانشان آشکار است. عمده آن‌ها پس از انقلاب اسلامی دست به نوشتن زدند و جنگ تحمیلی در زندگی و نوشتنشان اثرگذار بود. نکته مهم در این بین عملاً کنار رفتن اهمیت آموزش آکادمیک است، جز در دو مورد تئاتری‌ها و نمایش‌نامه‌نویسان. هر چه در نسل‌های قبلی دانشگاه تهران، خاصه دانشکده هنرهای زیبا، در روند حرفه‌ای افراد اثرگذار بوده، اینجا کارگاه‌های داستان‌نویسی چهره‌هایی مثل گلشیری و براهنی تربیت‌کننده بوده و کارکرد مجلات ادبی و روشنفکری هم احیا شده است.

نوشتن تکه پایانی کتاب که چهره‌های معاصر و حاضری را شامل می‌شود توأمان سخت‌ترین و آسان‌ترین تک‌نگاری‌های کتاب بود. از طرفی، با آدم‌هایی روبه‌رو بودم که تقریباً همه‌شان در دسترس‌اند و امکان گرفتن اطلاعات مستقیم درباره‌شان فراهم بود. اما از سویی کارنامه خیلی از نویسندگان این فصل امکان ادامه بیشتری دارد و نمی‌توان تماماً درباره آن‌ها داوری کرد. حتی در دوران بازنویسی و تکمیل مجدد مدخل‌ها، نویسنده‌ای کتاب تازه منتشر می‌کرد که به انتهای گزارشش افزودم. یا در مورد دیگری از نویسنده‌ای درباره مجموعه داستان تازه‌اش خبر رسید که به زودی منتشر می‌شود و طبیعتاً اطلاعاتی از آن در این فهرست نمی‌توان منتقل کرد. به هر حال، کارنامه این چهره‌ها ادامه دارد و احتمالاً می‌توان این کتاب را کارنامه آنان تا پایان قرن چهاردهم تلقی کرد. بنای انتخاب‌ها در این فصل را بر اساس نسبت نوشته‌ها با شهر تهران گذاشتم و چهره‌هایی انتخاب کردم که تصویر تهران در آثارشان مشخص باشد. از طرفی، به‌جای زندگی و زیست شخصی، تمرکز را بر آثار نویسندگان گذاشتم، چرا که تنها چیز قطعی در این تکه همین آثار منتشر شده است و به لحاظ نسبتشان با تاریخ مکتوب شهر تهران، گام‌ها جلوتر از گذشتگان‌اند و راه آن‌ها را کامل کرده‌اند، هم به لحاظ تکنیک و هم به لحاظ تصویری که از شهر در نوشته‌هایشان دیده می‌شود. تهران مکتوب‌شده در پایان قرن چهاردهم انگار شهر دیگری است و پیوندش را با گذشته از دست داده است، همان‌طور که خیابان‌ها و نقشه اول قرن، و اتوبان‌ها و نقشه آخر قرن نسبتی با هم ندارند.

طبیعتاً این پژوهش کاستی‌ها و مشکلاتی دارد. من تمام تلاشم را کرده‌ام تا اطلاعات دقیق و خالی از ایراد ثبت شود و معرفی‌هایی که از نویسنده‌ها و آثارشان می‌شود بدون پیش‌داوری و دور از علاقه شخصی‌ام باشد و از طرفی تصویری کامل از هنرمند و کتاب‌هایش منتقل شود. برای تکمیل داده‌ها هر جا به نویسنده‌ای امکان دسترسی وجود داشت، اطلاعات را مستقیم از خودش گرفتم. اما درباره چهره‌های قدیمی‌تر به دیگر منابع اعتماد کرده‌ام و گاهی عیناً کلماتی را نقل کرده‌ام و عبارتهایی را مستقیم آورده‌ام تا تصویر جامع‌تر شود. در این میان باید از همکاری دوست روزنامه‌نگارم، خانم ثنا کاکاوند، صمیمانه تشکر کنم که در جمع‌آوری اطلاعات و صحت مطالب یاری‌ام کرد، و بدون کمک‌های او به ثمر رسیدن این پروژه در روزهایی که ویروس منحوس کرونا احاطه‌مان کرده بود دشوارتر می‌شد. همچنین از دوستان فرهیخته‌ام آقایان حسین گنجی، حامد زارع و مهدی یزدانی‌خرم که در شکل‌گیری و رفع نواقص این پروژه همراه بودند صمیمانه سپاس گزارم.